

اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر در ایران

مونا تاسان^۱
خسرو پیرایی^{*۲}
مسعود نونژاد^۳
عباس عبدشاهی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۸

چکیده

کاهش فقر از مهم‌ترین اهداف سیاست‌هایی است که توسط دولت‌ها دنبال می‌شود. ضمن آنکه رشد اقتصادی و اعتقاد جدی به رشد همراه با عدالت نیز همواره مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. در این راستا، مفهوم رشد به نفع فقیر، بر ارتباط متقابل بین سه عنصر رشد، فقر و نابرابری تمرکز می‌کند. از طرف دیگر، رشد به نفع فقیر از عوامل متعددی از جمله متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. هدف این مقاله، بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر طی دوره ۱۳۶۱-۱۳۹۴ است. بدین منظور پس از محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر، با استفاده از داده‌های سری زمانی متغیرهای نقدینگی، بدهی خارجی، مخارج مصرفی و عمرانی دولت، پرداخت‌های انتقالی، درآمد نفت، بازبودن اقتصادی و به‌کارگیری روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی به تخمین رابطه مورد نظر پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای مورد بررسی به استثنای پرداخت‌های انتقالی و بازبودن اقتصاد اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارند. به عبارت دیگر، با افزایش آنها، سهم فقرا از رشد اقتصادی کمتر از اغنیا خواهد بود. لذا پیشنهاد می‌شود دولت با بهبود زیرساخت‌ها و افزایش مخارج اجتماعی در زمینه آموزش و بهداشت، همچنین هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا و اختصاص درآمدهای نفتی به بهبود عوامل زیربنایی، مسیر رشد اقتصاد را به گونه‌ای تغییر دهد که هدف کاهش فقر و نابرابری محقق گردد. همچنین با وجود اثر مثبت پرداخت‌های انتقالی و بازبودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر، پیشنهاد می‌شود با شناسایی دقیق افراد فقیر و هدفمندسازی یارانه‌ها و همچنین برداشتن موانع تجارت آزاد و عضویت در سازمان تجارت جهانی به همراه ایجاد زیرساخت‌ها و نهادهای متناسب، بر اثرگذاری سیاست‌های فوق افزوده گردد.

کلید واژه‌ها: رشد به نفع فقیر، بدهی خارجی، حجم نقدینگی، مخارج مصرفی و عمرانی دولت، پرداخت‌های انتقالی، درآمد نفت، بازبودن اقتصاد، روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی.

طبقه‌بندی JEL: I38, I32

Email: m.tasan@yahoo.com

Email: Kh.pirae@gmail.com

Email: Mnonejad.iaushiraz@yahoo.com

Email: abdesahi1349@ramin.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۲. دانشیار گروه اقتصاد واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
(*نویسنده مسئول)

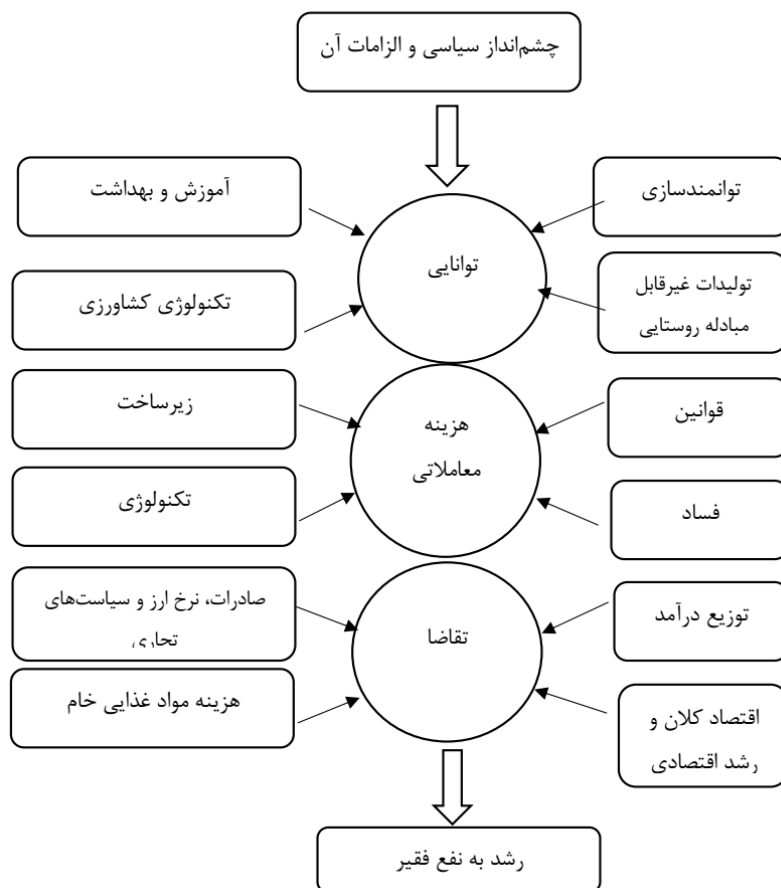
۳. دانشیار گروه اقتصاد واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۴. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۱. مقدمه

مسئله رشد به نفع فقیر از تلاش برای درک بهتر رابطه بین رشد اقتصادی و کاهش فقر ناشی می‌شود. این قاعده که رشد در اقتصاد ملی، یک شرط لازم برای کاهش فقر است، کاملاً صحیح نیست؛ زیرا در برخی جوامع (مانند کوبا و سریلانکا) مشاهده شده که توسعه استانداردهای انسانی با رشد پایین و یا بدون رشد اتفاق افتاده است و در برخی کشورها با وجود تجربه رشد اقتصادی، کاهش فقر یا بسیار کم است یا اصلاً اتفاق نیفتاده است. لذا به دلیل تجارب کشورهای مختلف، باید در مورد اثر رشد بر کاهش فقر با رعایت احتیاط بحث شود. به همین دلیل محققان توسعه به شرایطی از رشد توجه می‌کنند که تحت آن، اثرات کاهش فقری قوی باشد و یا به دنبال نوعی از رشد اقتصادی می‌گردند که از نقطه نظر کاهش سریع فقر، مرجح است. مفهوم "رشد به نفع فقیر" آخرین تلاش برای پاسخ به مسئله فوق است که از دهه ۱۹۹۰ مطرح شده است (وایت فیلد، ۲۰۰۸).

به طور کلی، استراتژی رشد به نفع فقیر شامل سه سطح اساسی است: بهبود توانایی افراد فقیر، کاهش هزینه‌های معاملاتی در اقتصاد به‌ویژه بین مناطق شهری و روستایی و افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات تولیدی افراد فقیر. در نمودار (۱) عوامل اثرگذار بر هر یک از این سه سطح مشاهده می‌شود. با توجه به نمودار، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی مانند آموزش، بهداشت عمومی، مراکز مشاوره خانواده و... سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های کشاورزی مانند ماشین‌آلات، بذره‌های اصلاح شده، روش‌های آبیاری و ... و یا سرمایه‌گذاری در تولیدات غیرقابل مبادله روستایی مثل راه و ساختمان، توانایی افراد فقیر را بهبود بخشیده و رشد را به نفع فقرا جهت می‌دهد. از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری‌های عمومی در زیرساخت‌ها و تکنولوژی، توسعه قوانین و مقررات و کاهش فساد اداری زمینه‌های کاهش هزینه معاملاتی را فراهم کرده و سبب توسعه بازارها می‌شود. لذا مشارکت خانوارهای فقیر در بازارهای اقتصادی افزایش پیدا کرده و جهت رشد به سمت فقرا نشانه‌گیری می‌شود. در لایه سوم استراتژی فوق، بهبود توزیع درآمد افراد جامعه و کاهش هزینه مواد غذایی خام، رشد به نفع فقیر را به دنبال دارد. همچنین سیاست‌های کلان اقتصادی مانند سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و ارزی نیز می‌توانند بر رشد به نفع فقیر اثر بگذارند (تیمر، ۲۰۰۴: ۲۰۱-۲۰۲).



نمودار ۱: مسیر رشد به نفع فقیر

منبع: پیتر تیمر، ۲۰۰۴

همان‌طور که مشاهده شد یکی از عوامل مؤثر بر رشد به نفع فقیر، سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌های تجاری است. با توجه به ارتباط بین رشد و کاهش فقر از یک طرف و تأکید دولت‌ها بر رشد همراه با عدالت از طرف دیگر، سیاست‌گذاران سعی بر این دارند تا از طریق اعمال برخی سیاست‌ها به رشد اقتصادی همراه با کاهش فقر دست یابند. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز در بندهای ۱ و ۴ بر ارتقا درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط و ارتقا شاخص عدالت اجتماعی تأکید شده است. حال مسئله این است که با وجود هدف مشترک همه اقتصادها مبنی بر کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی همراه با عدالت، در برخی جوامع در حال توسعه از جمله ایران، همچنان اهداف فوق تحقق پیدا نکرده است.

لذا در این تحقیق اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نقاط ضعف و قوت سیاست‌های اجرا شده نمایان گردد. متغیرهای مورد بررسی عبارتند از: حجم نقدینگی، درآمد نفت، باز بودن تجاری، مخارج مصرفی و عمرانی دولت، پرداخت‌های انتقالی و بدهی خارجی.

این مقاله مشتمل بر ۵ بخش است. پس از مقدمه فوق، ادبیات پژوهش (نظری و تجربی) به‌طور اجمالی ارائه می‌شود. بخش سوم به ارائه روش‌شناسی پژوهش و تصریح مدل اختصاص می‌یابد. پس‌از آن، در بخش چهارم به برآورد الگوی تحقیق و ارائه نتایج تجربی پرداخته می‌شود و در نهایت در بخش پنجم، جمع‌بندی و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

۲. ادبیات موضوع

در این بخش ابتدا مروری بر مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه پرداخته و سپس مبانی نظری تحقیق ارائه می‌گردد.

۲-۱. مروری بر مطالعات گذشته

در مطالعات داخل عمدتاً به بررسی چگونگی اندازه‌گیری رشد به نفع فقیر و یا اثر رشد اقتصادی بر فقر^۱ پرداخته شده است. خلاصه مطالعات داخل در جدول ذیل آورده شده است:

جدول ۱: مطالعات انجام گرفته در داخل

عنوان	نویسنده/گان	دوره مورد بررسی	الگو مورد استفاده	نتایج
اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران	باقری و کاوند	۱۳۸۴-۱۳۷۵	ارائه منحنی رشد-فقر و منحنی سلطه لورنز و تحلیل تغییرات رشد اقتصادی و نابرابری	رشد اقتصادی در اغلب سال‌های مورد بررسی در مناطق روستایی و شهری به نفع فقرا عمل کرده است
اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع فقیر	پیرایی و قناعتیان	۱۳۸۲-۱۳۷۴	منحنی‌های اصابت رشد، منحنی رشد-فقر، نرخ‌های رشد معادل فقر و مبادله بین رشد و نابرابری	رشد اقتصادی طی سال‌های مورد نظر در مناطق شهری و روستایی به‌طور ضعیف به نفع فقرا عمل کرده است. تنها در سال ۱۳۷۷ به دلیل آن‌که اثر رشد بر فقر، اثر معکوس بر نابرابری را جبران نکرده، رشد به ضرر فقیر بوده است.
ارائه یک متدولوژی جدید برای تجزیه	محمودی	برنامه اول توسعه	-	در مناطق روستایی، افزایش در فقر به‌طور عمده ناشی از افزایش قابل‌توجه در نابرابری یا جز توزیع

۱. اثر رشد اقتصادی بر فقر مورد نظر این تحقیق نمی‌باشد.

عنوان	نویسنده/گان	دوره مورد بررسی	الگو مورد استفاده	نتایج
تغییرات در فقر به دو اثر رشد و توزیع مجدد				مجدد بوده اما در مناطق شهری و نیز کل کشور، کاهش در رشد (کاهش در میانگین مخارج مصرفی) به افزایش در فقر کمک کرده است.
آیا رشد اقتصادی به فقرا کمک می‌کند؟ مطالعه موردی: ایران در طول برنامه پنج‌ساله اول	پیرایی	برنامه اول توسعه	روش کاکوانی و پرنیا	شاخص رشد به نفع فقیر که به‌وسیله شاخص‌های فقر مانند سرشمار، شکاف فقر و فوستر‌گریر توربک محاسبه شد، نشان داد که رشد اقتصادی در تمام مناطق به نفع فقرا بوده است.

در مطالعات خارجی، در زمینه اثر سیاست‌های کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۲: مطالعات انجام گرفته در خارج

عنوان	نویسنده/گان	دوره مورد بررسی	الگو مورد استفاده	نتایج
سهم مخارج عمومی در رشد به نفع فقیر در: رهیافت تعادل عمومی شبیه‌سازی خردی	اواتارا ^۱	۲۰۰۳	شاخص رشد به نفع فقیر کاکوانی و پرنیا	فقرا از رشد اقتصادی ناشی از افزایش مخارج دولتی بیشتر منتفع می‌شوند.
سیاست کلان اقتصادی و رشد به نفع فقیر در بولیوی	کلازن ^۲	دهه ۱۹۹۰	مدل تعادل عمومی	نتیجه برای افزایش گزینه‌های سیاست‌های کلان به نفع فقیر باید موانعی مانند نابرابری زیاد، دوگانگی بالا، نرخ پس‌انداز پایین و نرخ بالای دلاریزه شدن اقتصاد مورد توجه قرار گیرد.
سیاست کلان اقتصادی برای رشد به نفع فقیر	مایر ^۳	۱۹۷۰-۱۹۹۹	مدل رشد و تخمین سیستمی گشتاورهای تعمیم‌یافته	۱- سطوح بالای بدهی خارجی اثر منفی بر سطح درآمد ۴۰ درصد فقیرترین افراد جامعه داشته بدون اینکه اثر قابل توجهی بر نرخ رشد داشته باشد. اگرچه کاهش سطوح بدهی خارجی اثر مثبت بر فقرا دارد اما اگر تمام بدهی خارجی آزاد شود،

1. Ouattara
2. Klasen
3. Maier

عنوان	نویسنده/گان	دوره مورد بررسی	الگو مورد استفاده	نتایج
				منابع کافی برای فعالیت‌های فقرزدا را به دست نمی‌دهد. ۲- براساس نتایج به دست آمده می‌توان بر اثرات مثبت استفاده از رژیم ارزی انعطاف‌پذیر محدود و شناور مدیریت شده در کشورهای در حال توسعه تأکید کرد. ۳- رفع موانع صادرات مواد خام کشاورزی برای ۴۰ درصد فقیر جامعه اثر مهمی دارد. همچنین آزاد کردن واردات مواد خام کشاورزی اثر مثبت بر میانگین درآمدی فقرا دارد بدون اینکه توزیع درآمد آن‌ها را تغییر دهد.
آیا رشد اقتصادی در برزیل به نفع فقیر است؟ چرا؟	منزس فیلهو و واسکونسلوس ^۱	۱۹۸۱-۲۰۰۱	تجزیه دات و راوالیون	رشد در برزیل به نفع فقرا بوده است. شواهد مربوط به ایالات برزیل نشان می‌دهد که ۱۰ درصد افزایش در درآمد به‌طور متوسط ۸ درصد فقر شدید را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی، اهمیت سرمایه انسانی و زیرساخت‌ها را در رشد به نفع فقیر روشن می‌سازد.

۲-۲. مبانی نظری تحقیق

هر یک از سیاست‌های اقتصادی مورد بررسی در این تحقیق از کانال‌های متفاوتی بر رشد به نفع فقیر اثرگذار می‌باشند و این اثر می‌تواند در هر جهتی باشد، لذا در ادامه نحوه اثرگذاری سیاست‌های فوق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۲-۱. اثر حجم نقدینگی بر رشد به نفع فقیر

از آنجا که اثر سیاست پولی در دوره زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت متفاوت از یکدیگر است در ادامه به‌طور مجزا به بررسی این آثار در دوره‌های مختلف زمانی پرداخته می‌شود.

الف- اثر سیاست پولی بر فقر در کوتاهمدت

سیاست پولی انبساطی در کوتاهمدت تولید و تورم را افزایش می‌دهد. این اثرات کوتاهمدت سیاست پولی می‌تواند بر بهزیستی فقرا از طریق سه کانال زیر اثرگذار باشد.

اولین و مهم‌ترین کانال این است که اعمال سیاست پولی انبساطی در یک دوره مشخص، متوسط درآمد آن دوره را افزایش داده و در نتیجه به‌طور مستقیم فقر را کاهش می‌دهد (دلار و کری، ۲۰۰۲: ۱۹۶). این نتیجه با قبول این فرض که توزیع درآمد در کوتاهمدت ثابت بماند، صحیح خواهد بود (رومر و رومر، ۱۹۹۸: ۴-۵).

دوم، سیاست پولی می‌تواند از طریق کاهش نرخ بیکاری و افزایش نرخ مشارکت نیروی کار و نیز دستمزد حقیقی در بین کارگرانی که از مهارت‌های پایینی برخوردارند، منافع کوتاهمدتی را برای افراد فقیر به‌دنبال داشته باشد (رومر و رومر، ۱۹۹۸: ۴-۵). از طرف دیگر درآمد افراد فقیر نسبت به سایر افراد جامعه، عمدتاً از طریق پرداخت‌های انتقالی حاصل می‌شود. از آنجایی که این گونه پرداخت‌ها کمتر تحت تأثیر تغییرات دوره‌ای قرار دارند، اعمال سیاست پولی ممکن است وضعیت توزیع درآمد را وخیم‌تر نموده و نهایتاً به زیان افراد تمام شود. لذا اثرات انتظاری سیاست پولی بر بهبود شرایط فقر از کانال دوم نسبت به کانال اول کمتر است (رومر و رومر، ۱۹۹۸: ۴-۵).

سوم، تورم به‌دنبال سیاست پولی انبساطی، می‌تواند از طریق کاهش ارزش حقیقی دستمزدها و پرداخت‌های انتقالی منجر به بدتر شدن توزیع درآمد شده و نهایتاً به زیان افراد فقیر منتهی گردد. (کاردوسو، ۱۹۹۲: ۲) البته تورم پیش‌بینی نشده به نفع بدهکاران است. اگر فقرا بدهکاران اسمی خالص باشند، نرخ تورم می‌تواند از طریق این کانال به آن‌ها کمک نماید (منه‌یج، ۱۹۹۴: ۱۱-۱۰).

ب- اثر سیاست پولی بر فقر در بلندمدت

آنچه سیاست پولی در بلندمدت می‌تواند کنترل نماید، متوسط تورم و تغییرپذیری تقاضای کل است (رابین و استیون، ۲۰۰۲: ۸۹۷). این امر می‌تواند رفاه فقرا را از طریق اثرگذاری بر رشد بلندمدت و توزیع درآمد تحت تأثیر قرار دهد. تورم بالا نااطمینانی ایجاد می‌کند و انتظارات را به سمت بی‌ثباتی اقتصاد کلان سوق می‌دهد (رابین و استیون، ۲۰۰۲: ۸۹۷). همچنین تورم بالا و نااطمینانی اقتصاد کلان می‌تواند از طریق توزیع درآمد نیز بر فقرا اثر گذارد. پنج کانال وجود دارد که از طریق آن‌ها سیاست پولی بر توزیع درآمد در بلندمدت اثر می‌گذارد که عبارتند از: (رابین و استیون، ۲۰۰۲: ۲۰)

۱- توزیع مجدد ناشی از نوسانات تورم پیش‌بینی نشده مستقیماً نابرابری را افزایش می‌دهد.

1. Dollar & Kraay
2. Romer, C. & Romer, D.
3. Cardoso
4. Manhage
5. Rabin & Stevens

- ۲- کاهش سرمایه‌گذاری در سرمایه‌فیزیکی ناشی از ناطمینانی و انحراف بازار مالی، بازدهی متوسط سرمایه را افزایش داده و دستمزدها را کاهش می‌دهد. لذا توزیع درآمد نابرابرتر می‌شود.
- ۳- برعکس عامل دوم، تورم بار اضافی مالیات را از نیروی کار به سمت سرمایه انتقال می‌دهد.
- ۴- ناطمینانی در بازارهای مالی و کاهش اثربخشی این بازارها ناشی از تورم و بی‌ثباتی اقتصاد کلان نه تنها سرمایه‌گذاری فیزیکی را کاهش می‌دهد بلکه سرمایه‌گذاری انسانی را نیز می‌کاهد. این عامل مکانیزم مهمی در کاهش نابرابری است.
- ۵- تورم و نوسانات اقتصاد کلان به بخش‌های مختلف اقتصاد به‌طور نامتناسب آسیب می‌رساند.

۲-۲-۲. اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر

با در نظر گرفتن ادبیات تئوری^۱ می‌توان ۶ کانال برای نحوه اثرگذاری سیاست باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر در نظر گرفت که عبارتند از:

- ۱- اثر سیاست باز بودن تجاری بر رشد به نفع فقیر از کانال رشد اقتصادی: کاهش فقر از کانال رشد اقتصادی ناشی از باز بودن تجاری بسیار واضح است زیرا رشد اقتصادی به‌عنوان یک عنصر کلیدی در کاهش فقر مطلق به حساب می‌آید (گوگرتی و رومر^۲، ۱۹۹۷: ۱).
- ۲- اثر سیاست باز بودن تجاری بر رشد به نفع فقیر از کانال انتقال قیمتی: کاهش تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری بر قیمت محصولات قابل‌مبادله عرضه و تقاضا شده توسط فقرا اثر گذاشته و از این طریق بر درآمد آن‌ها اثر می‌گذارد. این اثرگذاری به وضعیت اقتصادی فقرا بستگی دارد. منظور از وضعیت اقتصادی این است که آن‌ها مصرف‌کننده خالص و یا تولیدکننده خالص یک کالا باشند.
- ۳- اثر سیاست باز بودن تجاری بر رشد به نفع فقیر از کانال دستمزد و اشتغال: باز بودن تجاری از طریق دستمزد و اشتغال بر درآمد فقرا اثرگذار است. براساس تئوری استالپر - ساموئلسون افزایش در قیمت نسبی کالاهای صادراتی تولید شده توسط افراد غیر ماهر سبب افزایش دستمزد این افراد شده و اگر فقرا عضو این گروه از نیروی کار باشند، فقر کاهش می‌یابد (بانیستر و توگه، ۲۰۰۱: ۸). استدلال استالپر و ساموئلسون در باز بودن تجاری در بخش کشاورزی کشورهای درحال توسعه که اکثریت نیروی کار در بخش کشاورزی شاغلند و مهارت‌های کمی دارند مهم‌تر جلوه می‌کند (مک کولوک^۳ و همکاران، ۲۰۰۱: ۷۷-۷۸).
- ۴- اثر سیاست باز بودن تجاری بر رشد به نفع فقیر از کانال مالیات و مخارج دولت: اصلاحات تجاری می‌تواند با کاهش درآمدهای دولت مانع از انجام هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری عمومی و مخارج اجتماعی نظیر بهداشت، آموزش و امنیت اجتماعی شود (مک کولوک و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۵۸).

1. Winters 2000a/b, McCulloch/Winters/Cirera 2001, Bannister/Thugge 2001, Berg/Krueger 2003, Agénor 2003

2. Gugerty & Roemer

3. Neil McCulloch and Alan L Winters and Xavier Cirera,

از آنجایی که مالیات بر تجارت در کشورهای در حال توسعه تا ۵۰ درصد از کل درآمد دولت را پوشش می‌دهد (مک کولوک و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۵۸)، کاهش تعرفه تجاری می‌تواند به محدودیت‌های شدید بودجه‌ای منجر شود. البته اگر اصلاحات تجاری به‌درستی مدیریت شود، کاهش درآمد دولت لزوماً به معنای کاهش مخارج برنامه‌های اجتماعی نیست (بانیستر و توگه و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۲-۱۱). همچنین اثر نهایی تغییر درآمد دولت بر فقرا بستگی به ساختار اولیه برنامه‌های مخارج اجتماعی و چگونگی اثرپذیری فقرا از سیستم مالیاتی جدید دارد؛ زیرا در کشورهای در حال توسعه مخارج اجتماعی اغلب خانوارهای با درآمد بالا را منتفع می‌نماید (دلار و کری، ۲۰۰۱: ۲۶).

۵- اثر سیاست باز بودن تجاری بر رشد به نفع فقیر از کانال تلاطم^۱ و شوک‌های خارجی: آزادسازی تجاری منجر به ادغام در بازارهای جهانی شده و می‌تواند از این طریق تلاطم در رابطه مبادله و یا نوسانات ستاده را به‌دنبال داشته باشد. به لحاظ تئوریک ارتباط باز بودن و تلاطم به این دلیل مطرح می‌شود که اثر خاص آزادسازی تجاری یعنی افزایش احتمال ابتلا به شوک‌های بخشی بررسی شود؛ زیرا هر چقدر اقتصاد بیشتر در معرض شوک خارجی قرار بگیرد، سطح کلی ریسک افزایش می‌یابد (مک کولوک و همکاران، ۲۰۰۱: ۲۸). از طرف دیگر، اثر شوک‌های خارجی و وابستگی به قیمت‌های بازار جهانی به‌شدت تحت تأثیر نهادهایی است که شوک‌ها و قیمت‌ها از طریق آن‌ها به فقرا انتقال می‌یابند. همچنین اثر خالص فقری بستگی به چگونگی مقابله فقرا با شوک‌های پیش‌بینی نشده دارد (مک کولوک و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۹-۵۸).

۶- اثر سیاست باز بودن تجاری بر رشد به نفع فقیر از کانال تعدیل کوتاه‌مدت: اگرچه آزادسازی تجاری در بلندمدت منافعی برای اقتصاد دارد اما شوک‌های ناشی از اصلاحات تجاری در یک دوره اثر منفی بر فقر به‌جا می‌گذارد. فقرا تحت تأثیر تغییر وضعیت اشتغال و سرعت فرایند تعدیل در بازار چسبنده نیروی کار هستند. فقر فزاینده ناشی از اثرات کوتاه‌مدت آزادسازی تجاری به وضعیت اولیه حمایت از بخش‌های خاص و میزان دارایی اولیه خانوارها برای هموار کردن مصرف در دوره بیکاری انتقالی بستگی دارد. همچنین اثرات یادگیری حین انجام کار و مقیاس اقتصادی بیشتر برای کشورهای مطرح می‌شود که کالاهای با تکنولوژی بالا تولید می‌کنند. پس اثرات منفی و موقت باز بودن تجاری بر رشد و فقر در دوره تعدیل اقتصادی ظاهر می‌شود که صادرکننده کالاهای با تکنولوژی پایین و یا مواد خام هستند (مایر، ۲۰۰۴: ۱۵۹).

۲-۲-۳. اثر مخارج دولت بر رشد به نفع فقیر

اقتصادها در دهه ۱۹۸۰ منحصراً بر رشد اقتصادی متمرکز بوده و لذا باعث افزایش نابرابری و به حاشیه راندن فقرا شدند (سیمسون^۲، ۲۰۱۲: ۶). در جهت اصلاح این موضوع، مخارج به نفع فقیر در دهه ۱۹۹۰

1. Volatility

2. Simson

مطرح شد و بر هزینه‌های پیش برنده^۱ که به فقرا می‌رسید تمرکز داشت (سیمسون، ۲۰۱۲: ۶). این هدف‌گذاری توسط اهداف توسعه هزاره^۲ نهادینه شد. در این راستا نحوه تخصیص مخارج دولت ابزاری کلیدی برای سیاست‌گذارانی شد که می‌خواستند رشد را افزایش و فقر را کاهش دهند. انواع هزینه‌های دولت (کمک‌های انتقالی و مخارج سرمایه‌ای) اثرات متفاوتی بر رشد به نفع فقیر دارد. به‌عنوان مثال، اگر دولت در ارائه کمک‌های انتقالی فقرا را هدف‌گیری نماید مستقیماً به نفع آنان عمل کرده است. اثر غیرمستقیم این کمک‌ها نیز از کانال هزینه‌های عمومی در خدمات اجتماعی نظیر آموزش، بهداشت و خوراک عمل می‌کند (گومانی^۳ و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۶).

• همچنین اگر دولت مخارجی در زمینه‌های کشاورزی، زیرساخت‌ها و توسعه بخش خصوصی انجام دهد، احتمالاً فقر کاهش می‌یابد. زمانی که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی متمرکز بر تحقیق و توسعه و تولید مواد خام باشد فقر کاهش می‌یابد (موگس^۴ و همکاران، ۲۰۱۲: ۳). همچنین می‌توان گفت مخارج کشاورزی در تغذیه افراد فقیر از طریق بهبود دسترسی به مواد غذایی خود تولید، کاهش قیمت مواد غذایی و دسترسی به مواد غذایی مفیدتر ناشی از افزایش درآمد آن‌ها مؤثر است (موگس^۵ و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۲). سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها مانند حمل‌ونقل و ارتباطات مخصوصاً توسعه راه‌ها به‌واسطه ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال عامل افزایش رشد و کاهش فقر است (فان^۶ و همکاران، ۲۰۰۷: ۳)

۲-۲-۴. اثر بدهی خارجی بر رشد به نفع فقیر

در این قسمت چهار اثر عمده بدهی خارجی بر رشد به نفع فقیر ارائه می‌گردد. دو اثر اول عمده‌تاً مربوط به تعهد بازپرداخت بدهی‌ها است درحالی‌که اثر سوم و چهارم بیشتر به میزان بدهی خارجی انباشته شده مربوط است. این اثرات عبارتند از:

۱- اثرات فرایند بودجه‌بندی بر رشد به نفع فقیر: میزان بدهی بالاتر ممکن است از طریق فرایند بودجه‌بندی بر رشد به نفع فقیر اثرگذار باشد (لوکو^۷ و همکاران، ۲۰۰۳: ۵). افزایش تعهدات مربوط به بازپرداخت بدهی‌ها بر مخارج دولت اثر گذاشته و این عامل احتمالاً اثر منفی بر درآمد فقرا خواهد داشت (مایر، ۲۰۰۴: ۱۳)، زیرا اگر درآمدهای آتی دولت برای بازپرداخت اصل و فرع بدهی لازم باشد آنگاه دولت برای پوشش شکاف مالی ناشی از این قید بودجه راه‌های مختلفی دارد که عمده‌تاً به ضرر فقرا است. این راه‌ها عبارتند از: افزایش درآمد مالیاتی، افزایش کسری بودجه دولت، کاهش مخارج اجتماعی دولت مانند بهداشت، آموزش، امنیت اجتماعی و ... و کاهش سرمایه‌گذاری عمومی.

1. Progressive Spending
2. Millennium Development Goals
3. Gomanee, K., Morrissey, O., Mosley, P. & Verschoor, A.
4. Moguees, T., Yu, B., Fan, S. & McBride, L.
5. ibid. P.22.
6. Fan, S., Brzeska, J. & Shields, G.
7. Loko, B., Mlachila, M., Nallari, R. & Kalonji, K.

۲- اثرات حساب خارجی بر رشد به نفع فقیر: معمولاً تعهدات خدمات بدهی خارجی باید به پول خارجی بازپرداخت شود. کشورهای با ذخایر محدود، ارز موردنیاز خود را از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان بدهی خصوصی، کمک‌های توسعه‌ای رسمی غیرمشروط و درآمدهای ناشی از صادرات تأمین می‌نمایند. در کشورهای درحال توسعه بدهکار تأمین مالی ارز از سه منبع اول به دلیل دسترسی محدود به بازارهای مالی بین‌المللی بسیار ناچیز است. لذا تعهدات بدهی غالباً از درآمد ناشی از صادرات تأمین مالی می‌شود (مایر، ۲۰۰۴: ۱۴). افزایش صادرات بستگی به عواملی مانند نوع صادرات، سهم بازار، رقابت‌پذیری و دسترسی به بازارهای کشورهای توسعه‌یافته دارد و این عوامل همیشه در کنترل کشورهای درحال توسعه نیست.

همچنین تقاضا برای ارز خارجی ناشی از تعهدات بدهی ممکن است از طریق کاهش ارزش پول ملی و یا اعمال محدودیت برای واردات تأمین گردد. در این شرایط، اگر فقرا بیشتر در بخش قابل‌مبادله کار کنند و از کالاهای غیرقابل‌مبادله مصرف نمایند، از کاهش ارزش پول ملی منتفع می‌شوند (مایر، ۲۰۰۴: ۱۷-۱۶).

نهایتاً می‌توان گفت اثرات بودجه‌بندی و حساب خارجی مستقل از هم نیستند. کاهش ارزش پول ملی سبب افزایش ارزش بدهی بر حسب پول داخلی می‌شود. کسری بودجه اضافی ایجاد شده از طریق تأمین مالی تورمی پوشش داده شده و این امر اثرات منفی بر درآمد فقرا دارد (دورنبوش^۱، ۱۹۸۹).

۳- اثرات بازدارنده بر رشد به نفع فقیر: رهیافت برآمدگی بدهی^۲ مبین وجود اثرات بازدارنده بدهی خارجی بر سرمایه‌گذاری است. این اثرات عبارتند از:
الف- برآمدگی بدهی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد زیرا با کاهش بازدهی پس از کسر مالیات، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

ب- فعالیت‌های مولد به دلیل مشمول مالیات شدن سود جهت تعدیل شکاف مالی، جذابیت خود را از دست می‌دهند؛ بنابراین سیاست‌گذاران انگیزه کمتری برای انجام اصلاحات ساختاری که بر سطح و کارایی سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد، دارند.

ج- بدهی عمومی زیاد ممکن است بر شاخص‌های کلیدی ثبات اقتصاد کلان نظیر کسری مالی، نرخ ارز و نرخ تورم اثر منفی بگذارد و نااطمینانی سرمایه‌گذاری‌های آتی را افزایش دهد (کلارن و همکاران، ۱۹۹۶: ۲۱). نااطمینانی اقتصاد کلان سطح و کارایی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

اگرچه برآمدگی بدهی عمدتاً از طریق رشد اقتصادی عمل می‌کند اما درآمد فقرا ممکن است به دلیل این اثرات بازدارنده تحت تأثیر قرار گیرد.

1. Dornbusch

2. debt Overhang Approach

۴- اثر نااطمینانی در اقتصاد کلان بر رشد به نفع فقیر: افزایش نااطمینانی در اقتصاد کلان ناشی از بدهی بالا، اثر منفی بر فقر دارد (بیرین و گارسیا پنالوسا، ۱۹۹۹: ۲۳). نااطمینانی بالا در رابطه با درآمدهای آتی سبب افزایش پس‌انداز احتیاطی شده و در نتیجه رشد اقتصادی را کاهش و فقر را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، اثرات بازار اعتباری بر فقرا اثر منفی دارد زیرا تقاضا برای نیروی کار کاهش می‌یابد (اگنور^۲، ۲۰۰۲: ۱۸).

۲-۲-۵. اثر درآمد نفت بر رشد به نفع فقیر

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که یکی از علل اصلی فقر و نابرابری درآمد، کمبود سرمایه و عدم انباشت سرمایه در کشورهای توسعه‌نیافته است به طوری که این امر موجب ناتوانی کشورهای مذکور در انجام اصلاحات ضروری جهت تجدید ساختارهای اقتصادی می‌شود. در حالی که درآمدهای عظیم نفتی باید موجب ایجاد ثروت برای جامعه شده، فرایندهای اقتصادی را بهبود بخشیده و فقر را کاهش دهد. به‌عنوان مثال نگرشی در اقتصاد وجود دارد که معتقد است کشورهای فقیر باید با یک "فشار قوی رو به جلو"^۳ مواجه شوند تا دور باطل فقر را شکسته و به توسعه دست یابند و درآمدهای عظیم حاصل از نفت باید بتواند بر قیود و محدودیت‌های سرمایه اولیه و ارزهای خارجی فائق آمده و فشار موردنیاز را ایجاد نماید (مورفی^۴ و همکاران، ۱۹۸۹). با این وجود تجربه کشورهای نفتی نشان می‌دهد که معمولاً صادرکنندگان نفت از یک مجموعه بیماری‌های اقتصادی و سیاسی رنج می‌برند (اوتی^۵، ۲۰۰۱: ۵۴-۵۲). مطالعات اقتصادی انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که کشورهای وابسته به صادرات نفت با رشد اقتصادی آهسته^۶، نرخ فساد بالا^۷، نرخ پایین دموکراسی^۸ و احتمال زیاد جنگ داخلی^۹ مواجه‌اند. علاوه بر این‌ها این کشورها با فقر بیشتری مواجه‌اند (راس^{۱۰}، ۲۰۰۳: ۲۶). لذا در مجموع ۲ کانال وجود دارد که از طریق آن فقرا منتفع شده و ۵ کانال وجود دارد که از طریق آن‌ها درآمد نفت به فقرا آسیب می‌رساند. کانال‌های اثرگذاری مثبت (مرادی، ۲۰۰۹) عبارتند از: افزایش مخارج مصرفی و پرداخت‌های انتقالی دولت به طبقات فقیر و اختصاص درآمدهای نفتی به ارتقای بهداشت و آموزش در مناطق محروم. کانال‌های اثرگذاری منفی نیز عبارتند از: تلاطم اقتصادی، جایگزینی تولید و کشاورزی، افزایش نابرابری، کاهش دموکراسی، احتمال زیاد جنگ داخلی.

1. Breen & Garcia.Peñalosa
2. Agénor
3. Big Push
4. Murphy, K., Schleifer, A., & Vishny, R. W.
5. Auty
6. Sachs & Warner 1997, 2001; Manzano & Rigobon 2001
7. Sachs & Warner 1999; Leite & Weidemann 1999; Gylfason 2000
8. Ross 2001a; Lam and Wantchekon 1999
9. Collier and Hoeffler 1998, 2002; Fearon and Laitin 2003
10. Ross

۳. روش‌شناسی تحقیق و تصریح مدل

در این بخش ابتدا نحوه محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر مطرح شده و سپس مدل موردنظر تصریح می‌گردد:

۳-۱. محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر

برای ارزیابی اثر رشد اقتصادی بر فقر هنگامی که تنها امکان استفاده از یک سری اطلاعات مقطعی وجود دارد، از تجزیه فقر بر حسب درآمد جامعه و پارامترهای منحنی لورنز استفاده می‌گردد. شاخص فقر تابع سه متغیر خط فقر، متوسط درآمد جامعه و نابرابری در توزیع درآمد است. با توجه به ثابت بودن خط فقر، تغییرات فقر به دو عامل متوسط درآمد جامعه و میزان نابرابری در توزیع درآمد بستگی دارد. لذا می‌توان تغییر در شاخص فقر را به صورت زیر نوشت:

$$d\theta = (\partial\theta/\partial\mu)d\mu + \sum_{i=1}^k (\partial\theta/\partial m_i)dm_i \quad (1)$$

که در آن θ شاخص فقر، μ متوسط درآمد جامعه، k تعداد پارامترهای منحنی لورنز و m_i پارامترهای تابع لورنز است. رابطه فوق تغییرات در فقر را به دو اثر رشد و اثر نابرابری تفکیک می‌کند. برای اندازه‌گیری اثر رشد، کشش فقر نسبت به رشد به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\eta_\theta = 1/\theta \int_0^x xF(x)(\partial P/\partial x)dx \quad (2)$$

که x درآمد و $F(x)$ تابع چگالی احتمال آن است. حال با توجه به شاخص شکاف فقر، کشش فقر نسبت به رشد به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\eta_G = \frac{-\mu^*}{Z - \mu^*} \quad (3)$$

که در آن Z خط فقر و μ^* متوسط درآمد افراد فقیر (چهار دهک اول) است.

برای اندازه‌گیری اثر نابرابری، کشش فقر نسبت به ضریب جینی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\eta_I = 1/\theta \int_0^x (\partial P/\partial x)(x - \mu)F(x)dx \quad (4)$$

حال با توجه به شاخص شکاف فقر، کشش فقر نسبت به نابرابری به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\eta_I = \frac{\mu - \mu^*}{Z - \mu^*} \quad (5)$$

در نهایت شاخص رشد به نفع فقیر به شکل زیر محاسبه می‌گردد:

$$\varphi = \frac{\eta_G + \eta_I}{\eta_G} \quad (6)$$

کاکوانی و پرنیا در خصوص اظهارنظر در مورد درجه رشد به نفع فقیر از معیار زیر بهره گرفته‌اند: اگر $\varphi < 0$ باشد، رشد به ضرر فقیر است (رشد به نفع غنی است). اگر $0/33 < \varphi < 0$ باشد، رشد به‌طور ضعیف به نفع فقیر است. اگر $0/66 < \varphi < 0/33$ باشد، رشد به‌طور ملایم به نفع فقیر است. چنانچه مقدار φ بین $0/66$ و 1 باشد، رشد به نفع فقیر است و در نهایت اگر φ بزرگ‌تر از یک باشد، رشد به‌طور قوی به نفع فقیر است.

۳-۲. تصریح مدل اقتصادسنجی

برای مشاهده اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر می‌توان از معادله زیر استفاده کرد^۱:

$$\varphi_t = \alpha_0 + \delta_i D_{it} + \tau_K X_{kt} + \omega_t \quad (7)$$

که در آن، φ_t شاخص رشد به نفع فقیر، D_{it} متغیرهای کنترلی شامل شاخص توسعه انسانی، نرخ مبادله تجاری، ضریب جینی، متغیر مجازی مربوط به سال‌های جنگ، شاخص دموکراسی، شاخص فساد اقتصادی، X_{kt} شاخص متغیرهای کلان اقتصادی شامل حجم نقدینگی، بدهی خارجی، مجموع مخارج مصرفی و عمرانی دولت، پرداخت‌های انتقالی دولت، درآمد نفت و باز بودن اقتصادی، τ_K : اثر متغیر کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر و ω_t جز اخلاص است.

دوره زمانی موردبررسی، سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۱ است.

متغیر درجه بازبودن اقتصادی از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی منهای خالص صادرات به‌دست می‌آید. شاخص توسعه انسانی به‌عنوان متغیر جایگزین برای سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت با اثر انتظاری مثبت وارد الگو شده است. نرخ مبادله خارجی نیز برای در نظر گرفتن اثر محیط خارجی وارد الگو شده است. به‌عبارت‌دیگر، رشد این نرخ، شوک‌های خارجی ناشی از جهت‌گیری بازارهای جهانی را منعکس می‌نماید. (گورا^۲ و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۰) علامت این ضریب بستگی به اثر رشد نرخ مبادله خارجی بر قیمت‌های نسبی دارد. به‌عنوان مثال، اگر رشد نرخ مبادله خارجی منجر به افزایش قیمت نسبی کالاهای کشاورزی و یا کاهش قیمت کالاهای مصرفی وارداتی شود، علامت انتظاری مثبت خواهد بود. متغیر مجازی برای وارد کردن اثرات سال‌های جنگ بر رشد به نفع فقیر به الگو اضافه شده است. شاخص دموکراسی و فساد اقتصادی برای در نظر گرفتن کانال‌های اثرگذار درآمد نفت بر رشد به نفع فقیر در الگو لحاظ شده‌اند. برای شاخص دموکراسی از داده‌های شاخص نرمال شده پولیتی و برای شاخص فساد اقتصادی از محاسبات مقاله خدایانه (۱۳۹۴) استفاده شده است. در نهایت ضریب جینی، اثرات نابرابری اولیه بر رشد به نفع فقیر را با علامت انتظاری مثبت پوشش می‌دهد.

1. Maier

2. Ghura, D., Leite, C. A. & Tsangarides, C.

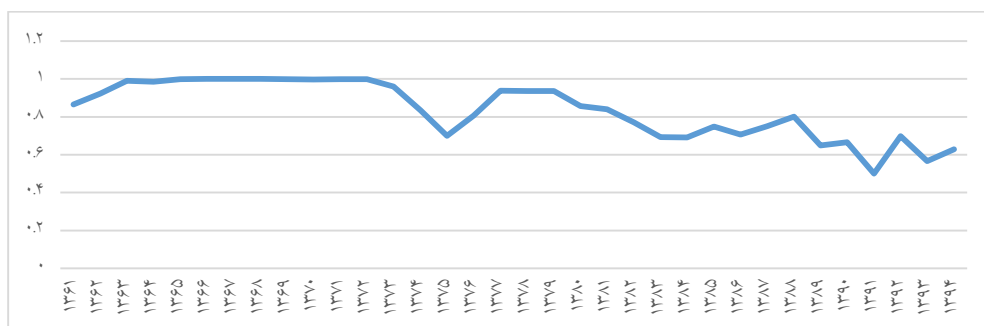
با توجه به این که در این تحقیق برای برآورد مدل‌ها از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده^۱ استفاده می‌شود، مدل (۷) در چارچوب الگوی ARDL به صورت زیر خواهد بود:

$$\varphi_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^p \alpha_{1i} \varphi_{t-i} + \sum_{j=1}^q \beta_{1j} X_{k,t-j} + \sum_{j=1}^q \beta_{2j} D_{i,t-j} + \varepsilon_t \quad (۸)$$

۴. نتایج تحقیق

۴-۱. محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر

داده‌های مورد استفاده برای محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر از آمار هزینه خانوارها برگرفته از مرکز آمار ایران اطلاعات جامع درآمدی و هزینه‌ای^۲ HEIS جمع‌آوری شده است. نتایج محاسبه این شاخص عبارت است از:



نمودار ۲: رشد به نفع فقیر ایران طی سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۹۴

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، رشد اقتصادی در ایران در دوره مورد بررسی همواره به نفع فقیر بوده است به استثنای سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ که در آن، رشد به‌طور ملاحظه به نفع فقیر است. لذا علی‌رغم سیاست دولت‌های مختلف در راستای عدالت و برابری، وضعیت فقرا در اثر رشد اقتصادی بهبود چندانی نیافته است.

۴-۲. آزمون مانایی و نتایج آزمون کرانه

در ابتدا برای کسب اطمینان از اینکه هیچ متغیری دارای انباشتگی از درجه ۲ نیست، با استفاده از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته با لحاظ شکست ساختاری، مانایی متغیرها بررسی می‌شود. نتایج آزمون مذکور، در جدول زیر ارائه شده است:

1. Auto Regressive Distributed Lag (ARDL)
2. Household Expenditure and Income Survey

جدول ۳: آزمون ریشه واحد متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نماد متغیر	آماره آزمون ADF با شکست ساختاری	تفاضل اول متغیر	آماره آزمون ADF با شکست ساختاری
رشد به نفع فقیر	φ	-۳	$\Delta\varphi$	-۷/۳۶***
نسبت بدهی خارجی به GDP	Debt	-۸/۶۵***	$\Delta Debt$	-۱۰/۲۵***
نسبت مجموع مخارج مصرفی و عمرانی دولت به GDP	G	-۳/۹۷	ΔG	-۷/۰۶***
نسبت پرداخت‌های انتقالی دولت به GDP	T	-۸/۱۳***	ΔT	-۴/۶۱**
نسبت حجم نقدینگی به GDP	M	-۱/۶۷	ΔM	-۵/۱۸***
نسبت درآمد نفت به GDP	Oil	-۸/۴۵***	ΔOil	-۵/۷۶***
بازبودن تجاری	Open	-۲۰/۲۲***	$\Delta Open$	-۱۶/۰۱***
نرخ مبادله تجاری	TOT	-۶/۱۵***	ΔTOT	-۱۰/۰۷***
شاخص توسعه انسانی	HDI	-۳/۴۰	ΔHDI	-۶/۴۴***
ضریب جینی	Gini	-۶/۴۰***	$\Delta Gini$	-۱۰/۶۱***
فساد اقتصادی	Cor	-۵/۱۱***	ΔCor	-۱۰/۹۳***

سطوح معناداری عبارتند از: ۱٪***، ۵٪**، ۱۰٪*.

منبع: نتایج حاصل از تحقیق

همان‌طور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد کلیه متغیرهای مدل با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند، هر چند برخی از متغیرها در سطح مانا هستند. به‌منظور برآورد تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر، ابتدا آزمون وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحقیق براساس آزمون کرانه پسران و همکاران (۲۰۰۱) انجام و نتیجه در جدول ذیل اراده شده است که رابطه بلندمدت بین متغیرها را تأیید می‌کند. وقفه بهینه برای متغیرها با استفاده از معیار اطلاعات آکاییک تعیین شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون کرانه

آماره F محاسباتی	تعداد وقفه بهینه	الگوی برآورد شده
۵/۶۲	(۲، ۱، ۰، ۲، ۲، ۰، ۲، ۰، ۰، ۰، ۰، ۰، ۰)	PPG G, T, Open, Oil, M, Debt, HDI, Cor, Gini, TOT, Democ, Dum

منبع: محاسبات تحقیق

از آنجاکه حد بالا و پایین بحرانی آماره F در سطح معنی‌داری ۵٪ به ترتیب معادل ۴/۳۲ و ۲/۸۶ است می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی رد می‌شود.

۳-۴. برآورد الگو

نتیجه تخمین رابطه کوتاه مدت بین متغیرها در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۵: نتایج تخمین کوتاه مدت

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	Prob
$\varphi(-1)$	-۰/۰۲	۰/۲۰	-۰/۱۰	۰/۹۲
$\varphi(-2)$	-۰/۳۱	۰/۲۹	-۱/۰۷	۰/۳۱
G	-۰/۰۰۲	۰/۵۶	-۰/۰۰۳	۰/۹۹
$G(-1)$	-۱/۶۶	۰/۶۸	-۲/۴۴	۰/۰۳
T	۴/۸۱	۲/۱۱	۲/۲۷	۰/۰۴
Open	۰/۸۲	۰/۴۴	۱/۸۵	۰/۰۹
Open(-1)	۱/۰۴	۰/۲۷	۳/۸۲	۰/۰۰۴
Open(-2)	۰/۲۳	۰/۰۷	۳/۳۱	۰/۰۰۹
Oil	-۱/۵۰	۰/۸۸	-۱/۷۰	۰/۱۲
Oil(-1)	-۱/۶۳	۰/۹۸	-۲/۵۵	۰/۰۳
Oil(-2)	-۱/۴۵	۰/۸۶	-۱/۶۸	۰/۱۲
M	-۰/۷۷	۰/۴۳	-۱/۷۹	۰/۱۰
Debt	-۴/۸۰	۲/۶۳	-۱/۸۲	۰/۱۰
Debt(-1)	-۲/۰۸	۱/۵۱	-۱/۳۷	۰/۲۰
Debt(-2)	-۳/۶۴	۰/۸۸	-۴/۱۲	۰/۰۰۲
HDI	۴/۹۸	۱/۲۷	۳/۹۰	۰/۰۰۳
Cor	-۰/۰۵	۰/۳۳	-۰/۱۵	۰/۸۷
Gini	۶/۴۴	۲/۳۸	۲/۷۰	۰/۰۲
TOT	-۰/۱۱	۰/۰۷	-۱/۶۰	۰/۱۴
Democ	۰/۰۵	۰/۰۲	۲/۲۲	۰/۰۵
Dum	-۰/۱۲	۰/۰۸	-۱/۴۹	۰/۱۷
C	۲/۶۵	۱/۰۲	۲/۵۸	۰/۰۲
$\bar{R}^2 = ۰/۹۱$ $F = ۱۵/۷۸ (۰/۰۰۰۰)$		آماره جاک-برا: $(۰/۳۲) ۲/۲۲$ آماره بروچ-گادفری آزمون حداکثر راستمایی: $(۰/۲۰) ۱۴/۳۶$ آماره بروچ-پاگان-گادفری: $(۰/۵۶) ۰/۹۵$		

منبع: محاسبات تحقیق

همان طور که مشاهده می شود مجموع مخارج مصرفی و عمرانی دولت اثر منفی معادل ۰/۰۰۲ دارد که بسیار اندک بوده و فاقد معناداری است. با این وجود، اثر این متغیر با یک دوره تأخیر معادل ۱/۶۶- است که مبین عدم تخصیص مخارج مصرفی و سرمایه ای دولت در جهت بهبود رفاه فقرا است. به عبارت دیگر دولت در تخصیص مخارج خود سه سطح افزایش توانایی، کاهش هزینه های معاملاتی و افزایش تقاضا برای کالاهای تولید شده توسط فقرا را مدنظر قرار نداده و یا در عمل موفق به رسیدن به این اهداف نشده است. اثر پرداخت های انتقالی دولت بر رشد به نفع فقیر مثبت و معنادار است.

به این ترتیب که چنانچه نسبت پرداخت‌های انتقالی به GDP به میزان ۱ درصد افزایش یابد، منافع فقرا از رشد اقتصادی نسبت به اغنیا به واسطه بهبود توزیع درآمد، معادل ۴/۸۱ درصد افزایش می‌یابد. باز بودن اقتصاد نیز هم در خود دوره و هم با یک و دو دوره تأخیر اثر مثبت و معنادار بر رشد به نفع فقیر دارد. رشد اقتصادی ناشی از باز بودن اقتصاد به واسطه ورود تکنولوژی، افزایش بهره‌وری، تخصیص کارا تر منابع و ترویج نوآوری منجر به بهبود وضعیت فقرا شده است. درآمد نفت در هر دوره و همچنین در وقفه‌های اول و دوم اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد. البته معناداری این متغیر تنها مربوط به وقفه مرتبه یک آن است. در واقع کانال‌های اثرگذاری مثبت درآمد نفت در ایران مؤثر نبوده و درآمد نفت به‌عنوان نفرین طبیعت در اقتصاد ایران عمل کرده است. چنانچه ضریب منفی فساد اقتصادی نیز مؤید این مطلب است. حجم نقدینگی در دوره مورد بررسی اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد؛ زیرا با افزایش حجم نقدینگی و به دنبال آن، افزایش نرخ تورم و در نتیجه افزایش نااطمینانی در اقتصاد کلان، بی‌ثباتی بر فضای اقتصاد کلان حاکم شده و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری و به تعویق افتادن رشد اقتصادی رخ می‌دهد. همچنین نااطمینانی اقتصاد کلان به واسطه نوسانات پیش‌بینی نشده نرخ تورم منجر به افزایش نابرابری می‌شود. در مجموع اثر این متغیر در کنار سایر متغیرهای کلان اقتصادی به نفع فقرا ارزیابی نشده است. اثر بدهی خارجی مشابه اثر درآمد نفت است. بدهی خارجی در همان دوره و در وقفه‌های مرتبه اول و دوم اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد؛ زیرا این بدهی‌ها منجر به تغییر فرایند بودجه‌بندی به زیان فقرا شده است. به عبارت بهتر دولت به منظور پوشش بدهی‌های خود به دلیل ناتوانی در بهبود کارایی سیستم مالیاتی و عدم توانایی افزایش صادرات به علت وجود تحریم‌های اقتصادی، مجبور به کاهش هزینه‌ها در بخش‌های زیربنایی و مخارج اجتماعی شده است. شاخص توسعه انسانی که جایگزین سرمایه‌گذاری در بهداشت و آموزش بوده است، اثر مثبت و معنادار بر رشد به نفع فقیر دارد؛ زیرا با بهبود وضعیت آموزش و بهداشت، توانایی افراد فقیر افزایش یافته و در نتیجه یکی از سطوح استراتژی رشد به نفع فقیر بهبود می‌یابد. نابرابری اثر مثبت و معنادار بر رشد به نفع فقیر دارد. هر چه نابرابری بیشتر باشد، بنا به فرضیه همگرایی رشد اقتصادی، افزایش رشد اقتصادی منجر به کاهش بیشتر فقر می‌شود. لذا رشد به نفع فقیر افزایش می‌یابد. رابطه مبادله اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد زیرا اثر شوک‌های خارجی بر قیمت‌های نسبی به‌گونه‌ای است که فقرا که غالباً در بخش غیرقابل مبادله کار و در بخش قابل مبادله مصرف می‌کنند، متضرر می‌شوند. شاخص دموکراسی اثر مثبت و جنگ اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد.

قبل از برآورد ضرایب بلندمدت و الگوی تصحیح خطا، آزمون‌های تشخیصی جهت حصول اطمینان از صحت اعتبار الگو انجام گرفته است. نتایج آزمون‌های تشخیصی از جمله نرمال بودن، خودهمبستگی و واریانس همسانی در انتهای جدول فوق ارائه شده که نشان از خوبی برازش الگو دارد.

نتایج تخمین ضرایب بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر در جدول ذیل ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که در بلندمدت مخارج مصرفی و عمرانی دولت، درآمد نفت، حجم نقدینگی و بدهی خارجی اثر منفی و باز بودن اقتصاد و پرداخت‌های انتقالی اثر مثبت و معنادار بر رشد به نفع فقیر دارد. مقایسه ضرایب کوتاه و بلندمدت نشان می‌دهد که اندازه ضریب پرداخت‌های انتقالی در بلندمدت کمتر از کوتاه‌مدت بوده و در مورد باز بودن عکس این مطلب صادق است.

جدول ۶: تخمین ضرایب بلندمدت

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	Prob
G	-۱/۲۵	۰/۵۷	-۲/۱۹	۰/۰۵
T	۳/۶۰	۱/۵۱	۲/۳۷	۰/۰۴
OPEN	۱/۵۷	۰/۷۲	۲/۱۷	۰/۰۵
OIL	-۳/۴۴	۰/۸۴	-۴/۰۹	۰/۰۰۲
M	-۰/۵۷	۰/۲۵	-۲/۲۲	۰/۰۵
Debt	-۲/۴۳	۱/۲۹	-۱/۸۸	۰/۰۹
HDI	۴/۹۸	۱/۲۷	۳/۹۰	۰/۰۰۳
Cor	-۰/۰۵	۰/۳۳	-۰/۱۵	۰/۸۷
Gini	۶/۴۴	۲/۳۸	۲/۷۰	۰/۰۲
TOT	-۰/۱۱	۰/۰۷	-۱/۶۰	۰/۱۴
Democ	۰/۰۵	۰/۰۲	۲/۲۲	۰/۰۵
Dum	-۰/۱۲	۰/۰۸	-۱/۴۹	۰/۱۷

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج الگوی تصحیح خطا نیز در جدول (۷) آورده شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود ضریب تصحیح خطا منفی، معنادار و معادل ۰/۳۳ است که نشان‌دهنده این است که در صورت وارد شدن شوک و انحراف از تعادل در هر دوره ۰/۳۳ از عدم تعادل دوره کوتاه‌مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود.

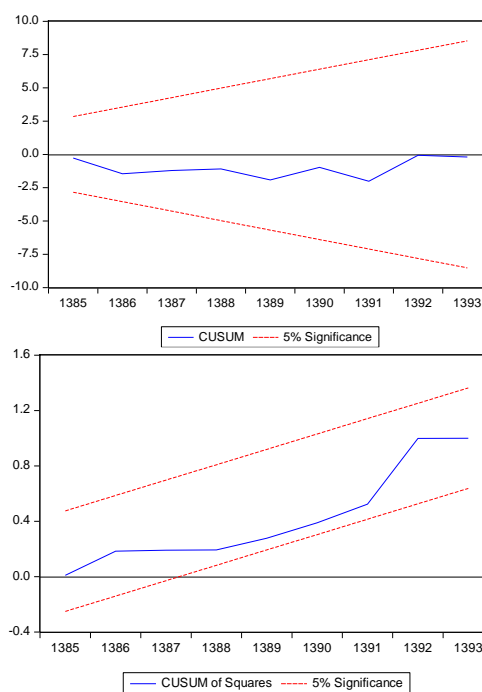
جدول ۶: تخمین الگوی تصحیح خطا

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	Prob
$D(\varphi(-1))$	۰/۳۱	۰/۱۳	۲/۳۸	۰/۰۴
$D(G)$	-۰/۰۰۲	۰/۲۶	-۰/۰۰۸	۰/۹۹
$D(OPEN)$	۰/۸۲	۰/۱۸	۴/۳۴	۰/۰۰۱
$D(OPEN(-1))$	-۰/۲۳	۰/۰۳	-۶/۵۰	۰/۰۰۰۱
$D(OIL)$	-۱/۵۰	۰/۳۳	-۴/۴۶	۰/۰۰۱
$D(OIL(-1))$	۱/۴۵	۰/۵۵	۲/۶۲	۰/۰۲
$D(Debt)$	-۴/۸۰	۱/۱۳	-۴/۲۳	۰/۰۰۲
$D(Debt(-1))$	-۳/۶۴	۰/۴۹	-۷/۳۱	۰/۰۰
HDI	۴/۹۸	۰/۶۳	۷/۸۷	۰/۰۰

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	Prob
Cor	-۰/۰۵	۰/۱۸	-۰/۲۸	۰/۷۸
Gini	۶/۴۴	۱/۱۵	۵/۵۶	۰/۰۰
TOT	-۰/۱۱	۰/۰۵	-۲/۳۳	۰/۰۴
Democ	۰/۰۵	۰/۰۰۹	۵/۷۵	۰/۰۰
Dum	-۰/۱۲	۰/۰۳	-۳/۳۸	۰/۰۰
ECM	-۰/۳۳	۰/۰۴	-۸/۲۵	۰/۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

اما از آنجا که پارامترهای بی ثبات منجر به نتیجه گیری اشتباه می شوند، آزمون ثبات ساختاری پارامترها انجام گرفته و نتایج آن در نمودار (۳) آورده شده است که ثبات آن‌ها را در سطح ۹۵ درصد تأیید می کند.



نمودار ۳: نتایج آزمون پایداری متغیرها

منبع: محاسبات تحقیق

جمع بندی و پیشنهادات

هدف این مطالعه بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله مخارج دولت، پرداخت‌های انتقالی، حجم نقدینگی، بدهی خارجی، درآمد نفت و بازبودن اقتصاد بر بهزیستی فقرا بوده است. به منظور بررسی اثر فوق ابتدا شاخصی برای بهزیستی فقرا تحت عنوان رشد به نفع فقیر تعریف و محاسبه گردید. سپس با استفاده از روش خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی اثر گذاری متغیرهای مذکور مورد ارزیابی قرار گرفت.

- با توجه به نتایج برآورد الگوی بلندمدت، می‌توان ادعا کرد که کلیه متغیرهای یاد شده به استثنای بازبودن اقتصاد و پرداخت‌های انتقالی اثر منفی و معنادار بر رشد به نفع فقیر داشته‌اند.
- با توجه به نتایج فوق پیشنهادات ذیل می‌تواند در راستای بهبود وضعیت فقرا مثمر ثمر باشد:
- چنانچه مخارج دولت در زمینه بهبود زیرساخت‌های مورد استفاده توسط افراد فقیر - که عمدتاً در بخش کشاورزی مشغول فعالیت هستند - صرف شود و یا مخارج دولت در زمینه آموزش و بهداشت افزایش یابد، به گونه‌ای که منجر به افزایش توانایی فقرا گردد می‌تواند منجر به بهبود شرایط فقرا شود.
 - اتخاذ سیاست‌های ترکیبی شامل رشد و تعدیل در نابرابری برای کاهش فقر. با توجه به این‌که دهک‌های پایین درآمدی از فقیرترین گروه‌های جامعه هستند، لذا شناسایی دقیق این افراد و توزیع مجدد درآمدها و هدفمندسازی یارانه‌ها به سمت آن‌ها، ایجاد زمینه‌های اشتغال همراه با افزایش مهارت و توانایی این گروه همزمان با پیگیری سیاست‌های مدافع رشد اقتصادی از وظایف اصلی دولت است.
 - با توجه به اثر منفی درآمد نفت بر رشد به نفع فقیر، دولت باید در اختصاص درآمدهای نفتی به ارتقای بهداشت و آموزش در مناطق محروم همت گمارده و در جهت کاهش نابرابری و فساد اقتصادی و افزایش دموکراسی گام بردارد.
 - با توجه به اثر مثبت باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر لازم است دولت سیاست برداشتن موانع تجارت آزاد و نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را پیگیری نماید. اگرچه لازمه موفقیت در این زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و نهادهای متناسب است. به‌عنوان مثال می‌توان به افزایش حمایت‌های اجتماعی برای اقشاری که ممکن است در اثر آزادسازی در کوتاه‌مدت متضرر شوند، همچنین تعیین و تقویت مزیت‌های نسبی کشور در زمینه‌های مختلف، اشاره کرد.
 - هدایت نقدینگی در جهت افزایش تولید و در نتیجه ایجاد فرصت‌های شغلی به‌منظور افزایش توانمندی افراد فقیر می‌تواند در بهبود وضعیت فقرا مؤثر واقع گردد.
- همچنین پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی بررسی اثرگذاری سایر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر در اولویت‌های پژوهشی قرار گیرد.

منابع

- باقری، فریده و کاوند، حسین. (۱۳۸۷). «اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۵)»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، ۲۸، ۱۹۰-۱۷۳.
- پیرایی، خسرو و قناعتیان، آزاده. (۱۳۸۵). «اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع فقیر»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، ۲۹، ۱۴۱-۱۱۳.
- محمودی، وحید. (۱۳۸۲). «ارائه یک متدولوژی جدید برای تجزیه تغییرات در فقر به دو اثر رشد و توزیع مجدد»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۶۳، ۱۸۶-۱۶۵.
- Agénor, P. (2002). *Macroeconomic Adjustment and the Poor: Analytical Issues and Cross-Country Evidence*. Washington DC: The World Bank.
- Agénor, P. (2003). *Does Globalization hurt the poor?*, Washington DC: The World Bank.
- Auty, R. (2001). *Resource Abundance and Economic Development*. New York: Oxford University Press.
- Bannister, G. & Thugge, K (2001). *International Trade and Poverty Alleviation. Working Paper 54/2001*. Washington DC: International Monetary Fund.
- Berg, A. & Krueger, A. (2003). *Trade, Growth, and Poverty: A Selective Survey*. IMF working paper.
- Breen, R., Garcia-Peñalosa, C. (1999). *Income inequality and macroeconomic volatility: an empirical investigation*. European University Institute, Oxford.
- Cardoso, E. (1992). *Inflation and Poverty. NBER Working Paper*. No. 4006. Cambridge, MA.
- Claessens, S., Detragiache, E., Kanbur, R. & Wickham, P. (1996). *Analytical aspects of debt problems, in: Iqbal, Zubair, Kanbur, Ravi (ed.), External finance for low-income countries*. Washington DC: International Monetary Fund.
- Collier, P. & Hoeffler, A. (1998). "On economic causes of civil war", *Oxford Economic Papers*, Volume 50(4), 563-573.
- Collier, P. & Hoeffler, A. (2002). "On the Incidence of Civil Wars in Africa". *Journal of Conflict Resolution*, 46, 13-28.
- Dollar, D. & Kraay, A. (2002). "Growth is good for the poor". *Journal of Economic growth*, 7, 195-225
- Fan, S., Brzeska, J. & Shields, G. (2007). *Investment priorities for economic growth and poverty reduction*. Washington D.C.: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Fearon, J. D. & Laitin, D. D. (2003). "Ethnicity, Insurgency, and Civil War." *American Political Science Review*, 97: 75-90.
- Gomanee, K., Morrissey, O., Mosley, P. & Verschoor, A. (2003). *Aid, Pro-Poor Government Spending and Welfare*. Centre for Research in Economic Development and International Trade, University of Nottingham.
- Gugerty, M. & Roemer, M. (1997). *Does economic growth reduce poverty?*, *CAER II Discussion Paper 50*. Harvard Institute for International Development
- Ghura, D., Leite, C. A. & Tsangarides, C. (2002). *Is growth enough? Macroeconomic Policy and Poverty Reduction, Working Papers 118/2002*. Washington DC: International Monetary Fund.

- Gylfason, T. (2000). *Natural resources, education and economic development. Paper presented at the 15th Annual Congress of the European Economic Association*, Bolzano, August-September.
- Klasen, S. (2006). *Macroeconomic policy and pro-poor growth in Bolivia, Discussion papers*, Ibero America Institute for Economic Research, 143.
- Lam, R. & Wantchekon, L. (1999). *Political Dutch Disease*, Working Paper. Yale University.
- Leite, C. A. & Weidemann, J. (1999). *Does Mother Nature Corrupt? Natural Resources, Corruption, and Economic Growths*, IMF working Paper.
- Loko, B., Mlachila, M., Nallari, R. & Kalonji, K. (2003). *The Impact of External Indebtedness on Poverty in Low-Income Countries*. IMF working Paper. Policy Development and Review Department.
- Maier, R. (2004). *Macroeconomic Policy for Pro-poor Growth*, Ph.D. Thesis in Ludwig-Maximilians University, Munich.
- Manhage, M. (1994). *Is Inflation Bad for Growth*. Working paper. Economic Department at Sveriges Riksbank.
- Manzano, O. & Rigobon, R. (2001). *Resource Curse or Debt Overhang. NBER Working Paper No. 8390*, National Bureau of Economic Research.
- McCulloch, N. & Winters, A. & Cirera, X. (2001). *Trade liberalization and Poverty: A Handbook*. Centre for Economic Policy Research. London.
- Menezes Filho, N., Vasconcellos, L. (2004). *Has Economic Growth Been Pro Poor in Brazil? Why?*, OPPG Working Program. GTZ Commissioned Study.
- Mogues, T., Yu, B., Fan, S. & McBride, L. (2012). *The impacts of public investment in and for agriculture. Synthesis of the existing evidence*. International Food Policy Research Institute.
- Moradi, M. A. (2009). *Oil Resource Abundance, Economic Growth and Income Distribution in Iran*. www.eomod.org. paper No. 990.
- Murphy, K., Schleifer, A., & Vishny, R. W. (1989). "Industrialization and the big Push". *Journal of Political Economy*, 97(5), 1-34.
- Ouattara, W. (2012). "Public Expenditure Contribution to Pro-Poor Growth in Cote d'Ivoire: A Micro Simulated General Equilibrium Approach". *Modern Economy*, 3, 330-337.
- Piraei, K. (2003). "Does Economic Growth Help the Poor People? Evidence from Iran in the First Five-Year Plan", *Iranian Economic Review*, 9, 85-99.
- Rabin, J. & Stevens, G. L. (2002). *Handbook of Monetary Policy*. Public Administration and Public Policy.
- Romer, C. & Romer, D. (1998). "Monetary Policy And Well – Being Of The Poor". *NBER Working Paper*, 6793, 21-49.
- Ross, M. (2003). *How Does Mineral Wealth Affect the Poor?*, Manuscript.
- Simson, R. (2012). *Following the money: Examining the evidence on 'pro-poor' budgeting*. London: Overseas Development Institute.
- Sachs, J. D. & Warner, A. M. (1997). "Sources of slow growth in African economies", *Journal of African Economies*, 6 (3), 335-376.
- Sachs, J. D. & Warner, A. M. (1999). "The big push, natural resource booms and growth", *Journal of Development Economics*, 59, 43-76.

- Sachs, J. D. & Warner, A. M. (2001). "The Curse of Natural resources", *European Economic Review*, 45, 827-838.
- Timmer, P. (2004). "The road to pro-poor growth: the Indonesian experience in regional perspective", *Bulletin of Indonesian Economic Studies*, Taylor & Francis Journals, 40(2), 22-27.
- Whitfield, L. (2008). *Pro-Poor Growth: a review of contemporary debates*, Elites, Production and Poverty research program (www.diis.dk/epp)
- Winters, L.A. (2000a). *Trade Liberalisation and Poverty*. Discussion Paper No. 7, Poverty Research Unit, Sussex, University of Sussex, UK.
- Winters, L.A. (2000b) *Trade, Trade Policy and Poverty: What are the Links?*, Discussion Paper No. 2382, Centre for Economic Policy Research, London.

The Effect of Macroeconomic Variables on Pro Poor Growth in Iran

Tasan, M.¹, Pirae, Kh.^{2*}, Nonejad, M.³, Abdeshahi, A.⁴

Abstract

Poverty reduction is one of the main goals of policies pursued by governments. At the same time, economic growth and a strong belief in growth along with justice have always been of interest to policymakers. In this regard, the concept of pro poor growth focuses on the interaction between three elements: growth, poverty and inequality. On the other hand, pro poor growth is affected by several factors including macroeconomic variables. The purpose of this paper is to investigate the effect of macroeconomic variables including government expenditures, transfers, liquidity, openness, oil revenue and external debt on pro poor growth during the period of 1982-2015. For this aim, first, we calculate pro poor growth index and then by using the time series data of desired macroeconomic variables and by ARDL model we estimate that relationship. The results show that all macroeconomic variables, except transfers and openness, have a negative and significant effect. In other words, by increasing liquidity, external debt, oil revenues and government expenditure, the share of poor people from economic growth will be less than the rich. Therefore, it is suggested that the government should change the path of economic growth by improving infrastructure and increasing social spending in the field of education and health, as well as directing liquidity towards productive and employment activities and allocating oil revenues to improve the infrastructures so the benefits of the poor will be more than the rich from economic growth, and the goal of reducing poverty and inequality would be achieved. Also, in spite of the positive effect of transfers and the openness of the economy on pro poor growth, it is suggested that the accurate identification of poor people and the targeting of subsidies, as well as the removal of barriers of free trade and membership of the WTO, along with the establishment of appropriate infrastructures and institutions, will increase the effectiveness of these macroeconomic variables.

Keywords: Pro Poor Growth, External Debt, Liquidity, Government Expenditure, Transfers, Oil Revenue, Trade openness, ARDL Method.

JEL Classification: I32, I38.

1. Ph.D. student of Economics Group, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Email: m.tasan@yahoo.com

2. Associate Professor of Economics Group, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Email: Kh.pirae@gmail.com

3. Associate Professor of Economics Group, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Email: Mnonejad.iaushiraz@yahoo.com

4. Associate Professor of Agricultural Economics, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan

Email: abdesahi1349@ramin.ac.ir